

در بنیاد شهید بوشهر نمونه آن حفظ شده باشد. بنا به این سند، شیخ حسین چاه کوتاهی به قول امروزی‌ها حق ترانزیت دریافت می‌کرد. شیخ حسین با انگلیسی‌ها مرادۀ بازرگانی داشته، اما به محضی که مسأله اشغال پیش می‌آید تفنگ به دست می‌گیرد و مقابل انگلیسی‌ها قد راست می‌کند. انگلیسی‌ها در کمال تعجب طی نامه‌ای به شیخ حسین می‌نویسند که شما با ما مرادۀ کالا داشته‌اید، کالای شما و مال‌التجاره‌تان هنوز در گمرک بوشهر موجود است، چرا سعی دارید رودرویی ما قرار گیرد؟ شیخ حسین در پاسخ می‌گوید تا دیروز شما طرف تجاری ما بودید. شما فروشنده بودید و ما خریدار، اما امروز چون شما اشغالگر محسوب می‌شوید ما حامی وطن و دشمن شما محسوب می‌شویم. شما متجاوز هستید و باید از سرزمین ما خارج شوید.

**انگلیسی‌ها طی نامه‌ای به شیخ حسین می‌نویسند که شما با ما مرادۀ کالا داشته‌اید، چرا سعی دارید رودرویی ما قرار گیرید؟ شیخ حسین در پاسخ می‌گوید تا دیروز شما شما فروشنده بودید و ما خریدار، اما امروز چون شما اشغالگر محسوب می‌شوید ما حامی وطن و دشمن شما محسوب می‌شویم. شما متجاوز هستید و باید از سرزمین ما خارج شوید.**

در برابر رسیدن انگلیس به اهدافش ایجاد کنند. نزدیک شدن واسموس به مردم و همراه شدن او با رئیس‌علی دلواری از یک سو موجب شد برخی این ایراد را بگیرند که قیام سمت و سوی خارجی گرفته است و از سوی دیگر موجب شد انگلیسی‌ها واسموس را تحت تعقیب قرار دهند. بنابراین مردم بوشهر بنا به یک پیش‌ذهنیت قدرتمند قبلی با قیام رئیس‌علی همراه می‌شوند. حال سؤال این است که چرا رئیس‌علی؟ چه چیز باعث می‌شود گرایش به رئیس‌علی دلواری گسترۀ وسیع‌تری داشته باشد؟

ببینید، نباید در تاریخ یک سویه پیش رفت. برخی از خان‌های آن منطقه با انگلیسی‌ها مرادوات تجاری داشتند. اتفاقاً سندی موجود است که احتمالاً باید

مطالعات اجتماعی نشان می‌دهد که اصولاً هر حرکت اجتماعی نیاز به پیش‌زمینه‌ها و پشتوانه‌های قبلی دارد. آیا قیام رئیس‌علی از این قاعده پیروی می‌کند یا به طور ناگهانی پدیدار شده است؟

اشاره شما، اشاره درستی است و می‌تواند باب مناسبی برای بحث ایجاد کند. همان طور که گفتید، از نظر فلسفه انقلاب اصولاً جنبش‌ها به طور خود به خود و ناگهانی اتفاق نمی‌افتد بلکه همواره یک تم ذهنی نزد مردم موجبات بروز یک حرکت را به وجود می‌آورد. پیش‌زمینه قیام رئیس‌علی دلواری در سال ۱۳۳۳ ه.ق - ۱۹۱۵م نیز به دوره محمدشاه و دوره ناصرالدین شاه برمی‌گردد. حتی می‌توان جنگ جهانی اول را نیز زمینه‌ای برای این قیام و جنبش بزرگ معرفی کرد. چنان که می‌دانید همواره در خصوص موضوعات مختلف، این تهدید در خصوص ایران وجود داشته است که اگر چنین شود یا چنان، بوشهر، خارک و خرمشهر را تصرف خواهیم کرد. در دوره جنگ جهانی اول هم که ایران اعلام بی‌طرفی می‌کند به دلیل مجاورت عثمانی و عراق که تحت اشغال عثمانی بوده، تسلط بر خلیج فارس برای انگلیسی‌ها از اهمیت خاص برخوردار بوده است. آلمان‌ها هم که این اهمیت را دریافته بودند، با گسیل افرادی مانند «سیترومن» و «واسموس» برای جلب نظر مردم و تشویق و یاری حرکت‌های ضد انگلیسی، سعی داشتند سدی

## اسطوره‌های ماندگار...

گفت و شنود شاهد یاران با استاد غلام حسین نظامی کارشناس تاریخ و رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی بوشهر در خصوص ابعاد شخصیتی و رموز موفقیت رئیس‌علی دلواری

### درآمد

غلام حسین نظامی از شاگردان شهید پاک نژاد است. او دوره لیسانس تاریخ را از مهر ۱۳۵۶ در یزد آغاز کرد و در حال حاضر دوره دکتری این رشته را پشت سر می‌گذارد. نظامی در حال حاضر رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی بوشهر است، از این رو در گفت و گو با ایشان سعی کردیم ابعاد شخصیتی و رموز موفقیت رئیس‌علی دلواری را با استناد به اسناد و مدارک و روایات تاریخی مورد بررسی و تحلیل قرار دهیم.

نظامی همچنین پایه‌گذار انجمن ایران‌شناسان جوان، با هدف پیوند بچه‌های ایرانی خارج از کشور با تاریخ ایران است که این امر، بیانگر دغدغۀ ایشان در امر آموزش و زنده نگاه داشتن تاریخ ایران اسلامی است.



معین‌التجار بوشهری که فرمان مشروطیت را به اتفاق در دست گرفته‌اند.



کنگره برگزار می‌شود، یک سریال پر بیننده تحت عنوان «دلبران تنگستان» ساخته می‌شود و در کتاب‌های متعدد به او و مبارزاتش پرداخته می‌شود، آیا به راستی این ما نیستیم که از این شخصیت اسطوره می‌سازیم و نام وی را زنده نگاه می‌داریم؟

من گمان می‌کنم هر چند می‌شود در بحث، تاریخ بنا به نگاه شخصی یا حتی گروهی خاص، روی گوشه‌ای انگشت گذاشت و بزرگ‌نمایی کرد، اما نمی‌توان سمبل سازی کرد. اگر شخصیتی به سمبل و اسطوره تبدیل می‌شود به دلیل این است که چنین ویژگی‌هایی داشته. رئیس‌علی دلواری هم دقیقاً بنا به شخصیت به اثبات رسیده‌اش تبدیل به یک اسطوره ماندگار می‌شود. ویژگی‌هایی چون ساده

خوبی می‌دانید که دولت مرکزی وقت، نه تنها از جنبش جنوب حمایت نکرد که مخالف هم بود و آن‌ها را جانی و راهزن معرفی می‌کرد. رئیس‌علی، خضرخان اهرمی، شیخ حسین خان چاه کوتاهی، خالوحسین دشتی و میرزا محمدخان غضنفرالسلطنه برازجانی همگی یک جبهه مشترک تشکیل داده بودند و گاه به اتفاق و بعضاً مستقل عملیات انجام می‌دادند. در حقیقت این خان‌ها که منتخب حکومت بودند و حکم سلطنتی هم داشتند گاه شاید نسبت به مردم بی‌مهری هم کرده باشند، اما در دوره مقاومت رشادت‌ها و جان‌فشانی‌هایی داشته‌اند که غیرقابل انکار است، به همین دلیل نباید عمل آن‌ها را خرد و کوچک محاسبه کرد. در این میان استثنایی هم مانند رئیس‌علی دلواری وجود دارد که به دلیل شخصیت و صداقت مشهورش نه تنها مردم را در سطح وسیعی جذب می‌کند که ماندگاری نام و آوازه او بیش از هر کس دیگری در دل‌ها باقی می‌ماند.

هر بار که در خصوص ویژگی‌های شخصیتی رئیس‌علی دلواری صحبت می‌شود، کارشناسان ما خیلی سریع و با اکتفا به حداقل‌ها یا موضوعات کلی، بحث را خاتمه می‌دهند. من قصد دارم این بار پافشاری کنم و سؤال را آن‌گونه که برخی مطرح می‌کنند در حضور شما به عنوان یک کارشناس مطرح کنم. در خصوص رئیس‌علی دلواری دو

اگر شخصیتی به سمبل و اسطوره تبدیل می‌شود به دلیل این است که چنین ویژگی‌هایی داشته. رئیس‌علی دلواری هم دقیقاً بنا به شخصیت به اثبات رسیده‌اش تبدیل به یک اسطوره ماندگار می‌شود. ویژگی‌هایی چون ساده زیستی، مردم‌داری، صداقت و به طور کلی مردمی بودن از شخصیت او نامی ماندگار ساخته است.

صرفاً این ذهنیت‌ها را یادآوری می‌کند. در حقیقت ما صرفاً یادآور هستیم و به هیچ وجه نمی‌توانیم بناکننده آن‌چه وجود ندارد باشیم. در خصوص رئیس‌علی باور من این است که ویژگی‌های شخصیتی ایشان به گونه‌ای بود که او را در اذهان زنده باقی نگه‌دارد. رئیس‌علی در هر اقدامی به طور مستقل پیشرو بود. تفنگ به دست می‌گرفت و پیش می‌رفت. به کرسی خانی تکیه نکرده بود و از داخل قلعه خود فرمان حمله صادر نمی‌کرد. مردم به وضوح می‌دیدند که هر مشقتی می‌کشند رئیس‌شان هم می‌کشند. اگر تشنگی می‌کشند، اگر بی‌خوابی می‌کشند، اگر سختی دارند برای او هم هست، بنابراین با ایمان راسخ‌تری با او همراه می‌شدند. همراه بودن با مردم، همگام بودن و در کنار آن‌ها و مانند آن‌ها بودن همان ویژگی است که در کنار شجاعت و دل‌آوری و ایمان راسخ و عشق به وطن از این شخصیت - چه در زمان خودش و چه در زمان ما و چه در داخل و چه در خارج - محبوبیت و احترامی ماندگار به همراه آورده است.

درباره موضع دولت مرکزی وقت در قبال رئیس‌علی دلواری برای مان توضیح دهید.

این بحث تقریباً کلیت تاریخی ما را دربرمی‌گیرد، بنابراین باید بحث را به صورت طولی پیش برد که اصطلاحاً به آن می‌گویند Diagnostic. وقتی به حکومت‌های ایران توجه کنیم خواهیم دید حداقل از ۱۴۰۰ سال پیش، یعنی از دوره اسلامی، تمام پایتخت‌های ایران در نیمه شمالی کشور واقع شده‌اند، یعنی از شیراز به بالا. تاریخ ما هم اصولاً

زیستی، مردم‌داری، صداقت و به طور کلی مردمی بودن از شخصیت او نامی ماندگار ساخته است. مردمی بودن یکی از ویژگی‌های مهم و مشترک اساطیر است و شاید این ویژگی به خاطر این است که او رئیس بود، خان بود. او به مردم نزدیک‌تر بود و بین آن‌ها زندگی می‌کرد. به عبارتی می‌توان گفت حداقل نزد مردم سوء سابقه‌ای نداشت، چون سوء سابقه در اذهان باقی می‌ماند. بحثی که مطرح می‌کنید و اتفاقاً از اهمیت بالایی هم چه در منطقه و چه خارج از منطقه برخوردار است، به خودی خود چنان فراخ است که نمی‌توان به نمونه‌های تاریخی موجود اشاره نکرد. در این راستا من می‌خواهم از لطفعلی خان زند نام ببرم. وقتی نام لطفعلی کنار نام زکی خان و جعفرخان می‌آید به خودی خود یک نقطه متضاد نمایان می‌شود. زکی خان و جعفرخان برابر با اوج شقاوت و بی‌رحمی هستند در حالی که از لطفعلی خان منش دیگری در اذهان وجود دارد. به همین دلیل وقتی محمدخان قاجار سرازیر می‌شود به سمت بوشهر و لطفعلی خان برای مقابله با او کمک می‌خواهد، مردم بوشهر داوطلبانه به او کمک می‌کنند و با او همراه می‌شوند. ما به واسطه هیچ کنگره و همایشی نمی‌توانیم زکی خان را به عنوان یک اسطوره مطرح کنیم چون اسناد و مدارک تاریخی دلیل مجاب‌کننده‌ای برای این امر باقی نمی‌گذارند و ذهنیتی که از این شخصیت وجود دارد این اقدام را بی‌حاصل می‌گذارد. اما در خصوص شخصیت لطفعلی خان یا رئیس‌علی این ویژگی در اذهان ریشه دارد و هر گونه اقدام ما



نومانی از روزنامه مطهری.

**مردمی بودن یکی از ویژگی‌های مهم و مشترک اساطیر است و شاید این ویژگی به خاطر این است که او رئیس بود، خان نبود. او به مردم نزدیک‌تر بود و بین آن‌ها زندگی می‌کرد. به عبارتی می‌توان گفت حداقل نزد مردم سوء سابقه‌ای نداشت، چون سوء سابقه در اذهان باقی می‌ماند.**

نیامده. شما برای گردآوری اسناد مرتبط با این قیام چه کرده‌اید و در خصوص رئیس علی به چه موفقیت‌هایی رسیده‌اید؟

همان‌طور که گفتیم اسناد و مدارک تاریخی بخش‌های جنوبی ایران چندان زیاد نیست ضمن این‌که این اسناد اصولاً به دو بخش اسناد خارجی و اسناد داخلی تقسیم می‌شود. در خصوص اسناد خارجی تلاش‌هایی شده و اسنادی هم به دست آمده که در طول کنگره اول در سال ۱۳۷۴ و همین‌طور کنگره دوم که اخیراً برگزار شد اسنادی به چاپ رسید که از این بین می‌توان به کتاب آقای کاوه بیات اشاره کرد که با همکاری وزارت امور خارجه گردآوری شده است. کتاب دیگر، گزارش‌های سالانه‌ای است که انگلیسی‌ها در آن سال‌ها نوشته‌اند و خانم برومند زحمت جمع‌آوری و چاپ آن را بر عهده داشتند. آقای زنگنه هم از مترجمان بسیار خوب این خطه محسوب می‌شوند که با مهارت خاص ۲۵ کتاب در خصوص بوشهر و خلیج فارس ترجمه کرده و به چاپ رسانده‌اند. این اسناد اگر چه به زبان و نگارش بیگانگان است و از رشادت‌های رئیس علی و دیگر مبارزان به نیکی یاد نکرده‌اند، اما به لحاظ سندیت بسیار مهم و قابل رجوع است. ما نیز از دشمن زخم خورده انتظار نداشتیم و نداریم که به نیکی از اسطوره‌های ما نام ببرند، اما در کل تلاش می‌کنیم تا بتوانیم اسناد و مدارک مختلف را از منابع مختلف گردآوری کنیم و در نسخه‌های قابل ارائه به چاپ برسانیم. به هر حال این مرکز جوان است. چیزی حدود یک سال و اندی است که تأسیس شده بنابراین به تدریج سعی می‌کنیم به آن‌چه شایسته تاریخ پرافتخار ما و مردم افتخارآفرین‌مان است برسیم - ان‌شاءالله.

در پایان می‌خواهم به عنوان یک کارشناس امور تاریخی و کسی که در خصوص جمع‌آوری و حفظ اسناد و مدارک تاریخی تلاش می‌کند و با خطه جنوب و اتفاقات آن از نزدیک آشنا است، شخصی‌ترین و درونی‌ترین حس‌تان را در خصوص رئیس علی دلواری جویا شوم.

رئیس علی دلواری یک شخصیت نستوه و مردمی بود که در دوره‌ای از تاریخ این مرز و بوم برای دفاع از وطن و دین خود نهایت فداکاری‌ها را کرد و موفقیت و نام نیکش به واسطه صداقت و همراهی صادقانه‌اش با مردم و البته مهرون دل پرمهرش از یاد خداوند بود. ■

که این مردم، همراه با رئیس علی‌ها، در ماه مبارک رمضان، در گرمای ۴۵ درجه و رطوبت وحشتناک، در سنگرهای روباز و مناطق کفی که هیچ پستی و بلندی برای سنگرسازی ندارد ایستادگی می‌کردند و جلو دشمن را می‌گرفتند. بنابراین، اصولاً نه تنها هیچ کمکی از سوی دولت‌های مرکزی صورت نمی‌گرفت که حتی با ایشان مقابله هم می‌شد.

نکته جالب این‌جاست که با وجود بی‌مهری و حتی برخورد معکوس دولت مرکزی، خلاف آن‌چه در برخی قیام‌ها در نقاط دیگر می‌بینیم، در جنوب هرگز قیامی مردمی به اعلام خودمختاری منجر نمی‌شود. آیا این به دلیل رهبری خاص این قیام‌هاست؟ رئیس علی چه نقشی در جلوگیری از چنین حرکت‌هایی داشته است؟

بله، این اتفاق در نقاط مختلف به وقوع می‌پیوندد اما در جنوب هرگز چنین اتفاقی نمی‌افتد. شاید یکی از محکم‌ترین دلایل این امر، گرایش شدید مردم این خطه به مذهب و همین‌طور گرایش‌های استوار ملی‌شان باشد. توجه کنید که وقتی آیت الله لاری در لار یا آخوند خراسانی در نجف و مجتهد اهرمی یا شیخ حسین برازجانی فتوا می‌دهند رئیس علی پا به میدان می‌گذارد. یعنی در حقیقت او به فتوای جهاد آقایان علماً پاسخ می‌دهد. ضمن این‌که چون رئیس است از نظر ملی بار مسؤلیت را نیز بر دوش حس می‌کند و خود را مسؤؤل حفظ جان مردم می‌بیند. اگر چه دولت مرکزی هیچ حمایتی نمی‌کند اما گرایش مذهبی و حس وطن دوستی رئیس علی باعث می‌شود بدون توجه به این نکته قیام کند و از وطن و مردم خود دفاع کند. اتفاقاً از این رهگذر می‌توان دوباره به سؤال شما مبنی بر دلایل گرایش مردم به رئیس علی و ماندگاری نام او رجوع کرد و افزود که مردم به رئیس علی دلواری

گرایش پیدا می‌کردند چون به چشم خود می‌دیدند که او بدون هیچ چشم‌داشتی کنار آن‌ها و همگام با آن‌ها از کیان و ناموس‌شان دفاع می‌کند. به چشم خود می‌دیدند که دولت مرکزی نه تنها آن‌ها را تنها گذاشته که حتی در مقابل قیام آن‌ها می‌ایستد و آن‌ها را قاچاقچی و شورشی می‌خواند اما رئیس علی به فرموده علمایی که از آن‌ها پیروی می‌کنند با دشمن رودرو شده و جان‌فشانی می‌کند. این هم جزو دیگر ویژگی‌های رئیس علی دلواری است و دلیلی محکم برای همراهی مردم با او و ماندگاری نام و آوازه آن شهید بزرگوار!

شما در مرکز اسناد و کتابخانه ملی بوشهر به عنوان رئیس فعالیت می‌کنید حال آن‌که ما به لحاظ اسناد و مدارک تاریخی بسیار فقیر هستیم. حتی به رغم تلاش‌هایی که شده هیچ عکسی که رسماً اعلام شود متعلق به رئیس علی دلواری است به دست

تاریخ شاهنشاهی بوده است. یعنی هر جا که شاه‌ها حضور داشتند تاریخ نگارها هم به فرموده، تاریخ نگاری می‌کردند در غیر این صورت مکتوبی وجود نداشته. مثلاً اگر مردم کرمان از گرسنگی می‌مردند ثبت و ضبط تاریخی نمی‌شد چون شاه در آن‌جا حضور نداشته، اما اگر انگشت کوچک شاه بر اثر حادثه‌ای نه چندان مهم جراحتی کوچک برمی‌داشت به فرموده این اتفاق ثبت می‌شد. به همین دلیل ما در خصوص تاریخ مردمی و اجتماعی، مکتوب قابل توجهی در دست نداریم. از سوی دیگر چون پایتخت‌ها در بخش‌های شمالی واقع بوده، ما در خصوص این بخش‌ها، در ضمن رفت و آمد شاهان در آن نواحی، اسامی و اتفاقات ثبت شده داریم، اما چون در بخش جنوبی نه پایتختی بوده و نه رفت و آمدی، هیچ نام و توصیف ثبت شده‌ای نداریم. به عنوان مثال، وقتی در دوران شاه اسماعیل که تبریز پایتخت بوده فرانسوا دال و وکر جزیره هرمز را تسخیر می‌کند، حکومت مرکزی تا مدت‌ها هیچ اطلاعی کسب نمی‌کند. در جنگ‌های عثمانی و غیره هم اتفاقات مشابهی می‌افتد. در مواردی هم که از این ماجراها مطلع می‌شدند، قدرت اقدام نداشتند. سال ۱۲۷۳ (۱۸۵۶م) انگلیسی‌ها بوشهر و خرمشهر را تصرف کردند، چون ایران هرات را محاصره کرده بود. فکر می‌کنید واکنش دولت مرکزی چه بود؟ هیچ. اصلاً قدرت نداشتند اقدامی کنند چون ارتش منسجمی در کار نبود. خب، وقتی قدرت آن را ندارند قاعدتاً باید دست مردم و کسانی چون رئیس علی را که جلو نفوذ دشمن ایستادگی می‌کنند ببوسند، اما بنا به اسناد تاریخی می‌بینیم که از ترس خائف شده و اعلام می‌کنند این مردم و این مردان بزرگ مثنی راهزن هستند. این درحالی است

